

تأثیرات نقشمایه‌های نمادین در هویت فرهنگی تطریزهای فلسطین

سیده الهه علوی دهکردی  

دانشجوی دکتری مرمت اشیاء تاریخی فرهنگی، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده حفاظت و مرمت، اصفهان، ایران.

چکیده: تطریز یا سوزن‌دوزی سنتی فلسطینی، بخشی ارزشمند از میراث فرهنگی زنان این سرزمین است که نه تنها جنبه‌ای تزئینی دارد بلکه به‌عنوان رسانه‌ای برای بازنمایی هویت فرهنگی و اجتماعی عمل می‌کند. این هنر که ریشه‌ای کهن در تاریخ محلی دارد، با دوخت نقشمایه‌های هندسی با مفاهیم نمادین بر پوشاک سنتی، بیانگر خاستگاه جغرافیایی، موقعیت اجتماعی و باورهای فرهنگی زنان فلسطینی بوده است. اهمیت تطریز پس از تحولات سیاسی سال ۱۹۴۸ میلادی دوچندان شد؛ زیرا از سطح یک مهارت دستی فراتر رفت و به ابزاری برای مقاومت فرهنگی، حفظ حافظه جمعی و بازتولید هویت ملی بدل گردید. در این فرآیند، زنان فلسطینی با بهره‌گیری از تکنیک‌های متنوع سوزن‌دوزی، توانستند روایت‌های شخصی و جمعی خود را در قالبی بصری و ماندگار منتقل کنند. لذا پژوهش حاضر با هدف شناخت نقوش نمادین و هندسی تطریز و بررسی جایگاه فرهنگی آن بر پایه مطالعه منابع به این پرسش "تطریز فلسطینی چگونه از یک مهارت دستی به یک زبان بصری فرهنگی تبدیل شده است؟" پاسخ خواهد داد. در این راستا مقاله حاضر با رویکردی میان‌رشته‌ای، تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه تطریز در گذر زمان از یک فعالیت هنری محلی به زبان بصری فرهنگی تبدیل شده است؛ زبانی که در بستر تحولات اجتماعی و تاریخی، نقشی اساسی در تداوم هویت، انتقال ارزش‌های فرهنگی و بازنمایی مقاومت ایفا کرده است. بررسی نمونه‌های تاریخی و معاصر که به روش توصیفی-تطبیقی انجام شده است، نشان می‌دهد که تطریز نه تنها در پوشاک سنتی بلکه در عرصه‌های هنر مدرن، طراحی مد و فعالیت‌های فرهنگی نیز حضوری فعال دارد و به‌عنوان پلی میان گذشته و حال، ظرفیت‌های تازه‌ای برای بازخوانی میراث و خلق معناهاى جدید فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، تطریز فلسطینی را می‌توان به‌منزله‌ی یک نظام پیچیده‌ی فرهنگی دانست که همزمان حافظ سنت‌های دیرینه و الهام‌بخش خلاقیت‌های نوین است.

کلیدواژگان:

تطریز
سوزندوزی
فلسطین
میراث فرهنگی
مقاومت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱

© ۲۰۲۵/۱۴۰۴ نویسنده(گان). این مقاله یک اثر دسترسی آزاد است که تحت مجوز **CC BY 4.0** منتشر شده است. اسناد و انتشار مجدد این اثر با ذکر منبع درست مجاز است.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2025.563422.1033>

۱. مقدمه

هنرهای دستی در جوامع مختلف، نه تنها واجد کارکردهای زیبایی‌شناختی‌اند، بلکه به‌عنوان حامل معناهای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی نیز عمل می‌کنند. این هنرها اغلب در پیوندی نزدیک با زندگی روزمره، ساختارهای اجتماعی و نظام‌های ارزشی جوامع شکل می‌گیرند و از این رو، مطالعه آن‌ها امکان شناخت عمیق‌تری از هویت فرهنگی و تجربه زیسته گروه‌های انسانی فراهم می‌آورد. در بسیاری از فرهنگ‌ها، هنرهای دستی به‌ویژه در حوزه پوشاک، به رسانه‌ای برای انتقال نشانه‌ها، باورها و روایت‌های جمعی تبدیل شده‌اند و فراتر از جنبه تزئینی، نقش ارتباطی و هویتی ایفا می‌کنند. در میان این هنرها، تطریز فلسطینی جایگاهی ویژه یافته است؛ هنری سنتی که با نقش‌های هندسی و نمادین بر پوشاک محلی، به‌ویژه لباس زنان، روایتگر تاریخ، باورها و تجربه‌های زیسته جامعه فلسطینی است. تطریز نه تنها مهارتی دستی، بلکه نظامی از نشانه‌های بصری است که طی نسل‌ها منتقل شده و در بسترهای مختلف اجتماعی و جغرافیایی دچار تحول شده است. در طول زمان، این هنر به‌عنوان نشانه‌ای متمایز در پوشاک زنان فلسطینی تثبیت شد و به تدریج به بخشی از هویت بصری و فرهنگی این جامعه بدل گردید؛ به‌گونه‌ای که نوع نقش، ترکیب رنگ‌ها و محل قرارگیری آن‌ها بر لباس، می‌توانست اطلاعاتی درباره خاستگاه منطقه‌ای، وضعیت اجتماعی یا تعلق فرهنگی فرد ارائه دهد. نقش زنان در حفظ و تداوم تطریز در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد. زنان فلسطینی، به‌ویژه در شرایط مهاجرت، جابه‌جایی اجباری و زیست در سکونتگاه‌های جدید، تطریز را به‌عنوان ابزاری برای حفظ و بازنمایی حافظه جمعی و هویت فرهنگی خود ادامه دادند. بدین‌سان، این سنت دستی از

سطح یک مهارت تزئینی فراتر رفت و به رسانه‌ای فرهنگی تبدیل شد که امکان پیوند با گذشته، بازتعریف هویت و مقاومت نمادین در برابر فراموشی فرهنگی را فراهم می‌کند. در این چارچوب، تطریز را می‌توان یکی از جلوه‌های مهم استمرار فرهنگی در مواجهه با گسست‌های تاریخی و اجتماعی دانست. در دوران معاصر، تطریز فلسطینی تنها به پوشاک سنتی محدود نمانده و حضوری فعال در حوزه‌های هنر معاصر، طراحی مد و فعالیت‌های فرهنگی یافته است. بازتولید نقوش سنتی در قالب‌های جدید، نشان‌دهنده پویایی این هنر و قابلیت آن برای انطباق با شرایط و زبان‌های بصری معاصر است.

تکنیک اصلی تطریز، یعنی شماره‌دوزی، بر پایه نظم هندسی، تکرار الگوها و ترکیب سنجیده رنگ‌ها شکل گرفته و از این منظر، واجد ارزش‌های زیبایی‌شناختی و ساختاری قابل توجهی است. همین ویژگی‌ها سبب شده‌اند که تطریز به‌عنوان زبانی بصری، امکان انتقال معنا را در قالب فرم و نقش فراهم آورد. بررسی تطریز از منظر فرهنگی نشان می‌دهد که این هنر محلی نقشی فراتر از یک فعالیت هنری یا تزئینی دارد و می‌توان آن را به‌منزله شیوه‌ای از تداوم فرهنگی و بازتولید هویت در بستر تحولات اجتماعی و تاریخی فلسطین تحلیل کرد. با این حال، بخش مهمی از مطالعات موجود، یا بر جنبه‌های تاریخی و مردم‌نگارانه تطریز تمرکز داشته‌اند یا آن را صرفاً در چارچوب هنرهای دستی بررسی کرده‌اند و کمتر به تطریز به‌عنوان یک نظام بصری معنا‌ساز پرداخته شده است. بر این اساس، این پژوهش با طرح این پرسش شکل می‌گیرد که تطریز فلسطینی چگونه از یک مهارت دستی به یک زبان بصری فرهنگی تبدیل شده است؟ پاسخ به این پرسش با هدف شناخت نقوش نمادین و هندسی تطریز و بررسی جایگاه فرهنگی آن و بر پایه مطالعه منابع مکتوب و نمونه‌های تصویری دنبال می‌شود. این مطالعه می‌کوشد با تمرکز بر مؤلفه‌های بصری و نمادین تطریز، به درک عمیق‌تری از نقش این هنر در شکل‌گیری و تداوم هویت فرهنگی فلسطینی دست یابد.

۲. پیشینه پژوهش

نخستین تلاش‌های نظام‌مند برای ثبت و مستندسازی تطریز فلسطینی به دهه ۱۹۶۰ میلادی بازمی‌گردد؛ دوره‌ای که پژوهشگران و هنرمندان فلسطینی در واکنش به خطر فراموشی و گسست فرهنگی، به گردآوری و ثبت نقوش سنتی پرداختند. کتاب «دستورالعمل هنر تطریز فلسطینی» (دلیل فن التطریز الفلسطینی) (۱۹۶۲) از مهم‌ترین آثار این دوره است که با گردآوری بیش از ۲۶۰ نقش از مناطق مختلف فلسطین، بنیانی برای مطالعات بعدی فراهم کرد. تمرکز این اثر بر ثبت دقیق الگوها، کدگذاری رنگ‌ها و حفظ اصالت ساختارهای تزئینی، آن را به منبعی مرجع در حوزه مستندسازی تبدیل کرده است. با این حال، رویکرد این کتاب عمدتاً توصیفی و آرشیوی است و کمتر به تحلیل معانی فرهنگی و کارکردهای اجتماعی نقوش می‌پردازد. در دهه‌های بعد، مطالعات تاریخی — توصیفی گسترش یافتند و آثاری چون «هنر رودوزی فلسطینی» (The Art of Palestinian Embroidery) (۲۰۰۵) نوشته لیلا الخالدی، کوشیدند تطریز را در بستر تاریخی و فرهنگی گسترده‌تری بررسی کنند. این اثر با تمرکز بر منشأ تکنیک‌ها، مسیر انتقال نمادها و نقش پوشاک در بازنمایی هویت فرهنگی، گامی فراتر از صرف ثبت نقوش برداشت. با این حال، همچنان تمرکز اصلی بر تاریخچه، نمونه‌های موزه‌ای و توصیف لباس‌ها باقی ماند و تحلیل نظام‌مند تطریز به‌مثابه یک زبان بصری کمتر مورد توجه قرار گرفت. در همین مسیر، کتاب «نقوش رودوزی‌های فلسطینی: گنجینه‌ای از دوخت‌های ۱۸۵۰-۱۹۵۰» (Palestinian Embroidery Motifs: A Treasury of Stitches 1850-1950) (۲۰۰۷) اثر اسکینر و کوار، با ایجاد یک آرشیو طبقه‌بندی‌شده از موتیف‌ها بر اساس منطقه، دوره تاریخی و ویژگی‌های بصری، امکان تحلیل تطبیقی تحول نقوش را فراهم کرد. اهمیت این اثر در نشان‌دادن تغییرات سبکی و نقش تطریز در بازتولید هویت فرهنگی، به‌ویژه در تجربه مهاجرت و دوری از سرزمین مادری است. با وجود این، رویکرد کتاب همچنان بر سامان‌دهی داده‌ها و بازسازی تاریخی استوار است و کمتر به تبیین جایگاه فرهنگی تطریز در تجربه زیسته زنان فلسطینی می‌پردازد. از دهه ۲۰۱۰ به بعد، پژوهش‌ها به تدریج به سوی رویکردهای معاصر، آموزشی و روایت‌محور سوق یافتند. آثاری چون «تطریز و چای: رودوزی و روایتگری در دیاسپورای فلسطینی» (Tatreez & Tea: Embroidery and Storytelling in the Palestinian Diaspora) (۲۰۱۸) و «هفده تکنیک رودوزی از فلسطین» (Seventeen Embroidery Techniques from Palestine: An Instruction Manual) (۲۰۱۹)، به ترتیب بر جنبه‌های روایت‌گری، انتقال میان‌نسلی و آموزش تکنیک‌ها تمرکز دارند. این منابع نشان می‌دهند که تطریز چگونه در شرایط دیاسپورا به رسانه‌ای برای حفظ حافظه جمعی بدل می‌شود، اما تمرکز آن‌ها بیشتر بر تجربه فردی، آموزش عملی و باززنده‌سازی مهارت‌هاست تا تحلیل ساختارهای نمادین نقوش. در سال‌های اخیر، مطالعاتی با رویکرد فرهنگی، نشانه‌شناختی و سیاسی ظهور کرده‌اند که تطریز را در چارچوب حافظه جمعی، میراث مادرتبار و مقاومت نمادین تحلیل می‌کنند. آثاری مانند مقاله «دیاسپورا و تطریز: بازتابی در دوخت» (Diaspora and Tatreez: Reflections in Stitch) (۲۰۲۱) و «همراه با تطریز: جزوه مطالعاتی گلدوزی فلسطینی» (Tatreez Companion: Palestinian Embroidery Study Booklet) (۲۰۲۴)، نقوش و رنگ‌ها را به‌عنوان حاملان معناهای سیاسی، هویتی و تاریخی بررسی می‌کنند و به مسئله تملک فرهنگی و اهمیت مستندسازی دیجیتال می‌پردازند.

این پژوهش‌ها افق‌های جدیدی در فهم تطریز گشوده‌اند، اما اغلب تمرکز آن‌ها بر زمینه‌های معاصر، سیاست فرهنگی یا مطالعات دیاسپورا است و تحلیل منسجم مؤلفه‌های تصویری و نمادین نقوش در پیوند با بستر فرهنگی فلسطین کمتر به‌صورت مستقل انجام شده است. در مجموع، مرور پیشینه نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های متعددی درباره تکنیک‌ها، تاریخچه، طبقه‌بندی نقوش و حتی ابعاد سیاسی تطریز فلسطینی انجام شده

است، اما جایگاه فرهنگی تطریز به‌عنوان یک زبان بصری و نظامی معنابخش که از طریق نقوش هندسی و نمادین هویت، تعلق و حافظه جمعی را بازنمایی می‌کند، کمتر به‌طور متمرکز و تحلیلی بررسی شده است. بسیاری از منابع یا بر ثبت و آموزش تأکید دارند، یا بر روایت‌های تاریخی و معاصر، و کمتر به پیوند ساختارهای بصری نقوش با معانی فرهنگی و اجتماعی آن‌ها می‌پردازند. بر این اساس، مقاله حاضر با تمرکز بر شناخت نقوش هندسی و نمادین تطریز و تحلیل آن‌ها در بستر فرهنگی فلسطین، می‌کوشد این خلأ پژوهشی را پر کند و تطریز را نه صرفاً به‌عنوان یک مهارت دستی یا هنر تزئینی، بلکه به‌مثابه یک زبان بصری فرهنگی و رسانه‌ای برای بازتولید هویت و روایت جمعی مورد بررسی قرار دهد.

۳. روش‌شناسی

این پژوهش با رویکردی کیفی و با تمرکز بر مطالعه منابع موجود انجام شد و هدف آن فهم جایگاه فرهنگی تطریز و پی‌گیری سیر تحول آن در اسناد تاریخی، مجموعه‌های موزه‌ای و ادبیات پژوهش بود. برای این منظور، کتاب‌ها، مقالات و کاتالوگ‌های تخصصی مرتبط با گلدوزی فلسطینی مطالعه شد و تصاویر و نمونه‌های تطریز از پایگاه‌های مجازی معتبر، از جمله مجموعه‌های موزه‌ای مانند موزه متروپولیتن، مورد بررسی قرار گرفت. همچنین با چند متخصص و پژوهشگر فعال در حوزه مطالعات میراث و فرهنگ فلسطین مکاتبه شد تا برخی جزئیات تاریخی، نام‌گذاری تکنیک‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای روشن شود؛ این مکاتبات جنبه مشورتی داشت و در قالب مصاحبه رسمی انجام نگرفت. در این پژوهش، تحلیل‌ها محدود به یک نمونه، منطقه یا دوره تاریخی مشخص نبوده و انتخاب آگاهانه پژوهش بر آن بوده است که تطریز فلسطینی به‌عنوان یک پدیده فرهنگی پویا و فراتاریخی مورد بررسی قرار گیرد. از این‌رو، نمونه‌های بررسی‌شده شامل آثار متعلق به مناطق مختلف فلسطین و بازه‌های زمانی گوناگون بوده‌اند که در منابع مکتوب، آرشیوهای موزه‌ای و مستندات تصویری ثبت شده‌اند. این گستره زمانی و جغرافیایی امکان شناسایی الگوهای تکرارشونده، تداوم نقوش نمادین و تغییر کارکردهای فرهنگی تطریز را فراهم کرده است.

در مرحله تحلیل، داده‌های متنی و بصری با استفاده از روش تطبیقی و یادداشت‌برداری موضوعی دسته‌بندی شدند و مضامینی چون تکنیک‌های اجرایی، ویژگی‌های بصری نقوش، تفاوت‌های منطقه‌ای، نقش اجتماعی، معنای نمادین و تحولات معاصر استخراج گردید. تمرکز اصلی تحلیل نه بر کمیت نمونه‌ها، بلکه بر تکرارپذیری معانی، ثبات ساختارهای بصری و نحوه بازتولید هویت فرهنگی در منابع مختلف بوده است. به این ترتیب، پژوهش حاضر با اتکا بر مطالعه منابع و بررسی تطبیقی نمونه‌ها، تلاش کرده است تصویری یکپارچه از جایگاه فرهنگی تطریز فلسطینی و نقش آن در بازنمایی هویت و حافظه جمعی ارائه دهد.

۴. بحث و تحلیل

از زمان قرون وسطی شهرهای اصلی منطقه سوریه و فلسطین، مانند دمشق (شام)، حلب و حماه، نه تنها مراکز مهم تجارت منسوجات به شمار می‌رفتند، بلکه از نظر پارچه‌بافی نیز بسیار معروف بودند. در قرن بیستم/چهاردهم در بیشتر روستاها دستگاه‌های کوچک پارچه‌بافی را می‌توان یافت که با تولید پارچه‌های ساده، نیازهای محلی و شخصی را برطرف می‌کنند. پیش از جنگ جهانی دوم در فلسطین، شهر «مجل» در حدود سی کیلومتری غزه، به داشتن پانصد دستگاه پارچه‌بافی افتخار می‌کرد و این موضوع تنها منحصر به این شهر نمی‌شد (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۸۵). این گرامیداشت نه تنها برای پارچه‌بافی بلکه برای تطریز یا گلدوزی سنتی فلسطین (Palestinian Tareez) که یکی از مهمترین جلوه‌های فرهنگی و هنری مردم فلسطین است و پیوند نزدیکی با هویت آن‌ها دارد نیز بوده است (شکل ۱). این هنر را می‌توان مشابه هنر شماره‌دوزی دانست اما با هویتی متفاوت. چراکه این هنر سنتی نه تنها یک نوع مهارت دستی محسوب می‌شود، بلکه نمادی از هویت ملی، مقاومت فرهنگی و خلاقیت زنان فلسطینی در طول تاریخ است. تطریز فلسطینی، که معمولاً بر روی لباس‌های سنتی زنان مانند ثوب^۱ (شکل ۲) انجام می‌شود، از نظر تکنیک، الگوها، رنگ‌ها و معنا، تنوع گسترده‌ای دارد و بیانگر فرهنگ، جغرافیا و تاریخ هر منطقه فلسطین است.

استفاده از تطریز در لباس سنتی ثوب صرفاً به‌عنوان تزئین به کار نمی‌رود، بلکه نقش یک زبان بصری را ایفا می‌کند. زنی که با نخ و رنگ لباس خود را دوخته و می‌آراید، در واقع داستان زندگی، ریشه، تعلق جغرافیایی و ارتباط با سرزمین خود را به وسیله سوزن‌دوزی بیان می‌کند. در واقع هر ثوب بیان‌کننده روستا، قبیله یا شهری است که زن به آن تعلق دارد. همچنین وضعیت تاهل و اینکه زندگی او تا چه حد تحت تأثیر مبلغین مذهبی، استعمار یا جنگ قرار گرفته، بوده (Ghnaim, 2024: para. 3).

همچنین می‌توان گذر ایام را از نوع تزئینات استفاده شده در لباس دریافت؛ چنانچه ردهای عروسی تا یک دهه قبل از ۱۹۳۰ دارای شکلی متفاوت و در قسمت جلو دارای درزهایی بود که تودوزی می‌شدند، اما پس از جنگ، خیاطی آن به این صورت تغییر کرد (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۸۶) (شکل ۳).



شکل ۱. بخشی از یک تطریز فلسطینی و جزئیات بافت آن (Muaddi & Ghnaim, 2024)



شکل ۲. سمت راست: زن جوان با ثوب سفید رنگ به عنوان لباس عروسی در اوایل قرن بیستم. سمت چپ: زنان اهل رام الله از اواخر قرن نوزدهم با ثوب سفید رنگ به عنوان لباس روزمره. آرشیو کنگره آمریکا، بخش چاپ و عکس، مجموعه عکس‌های گ. اریک و ادیت ماتسون^۲ (Ghanian, 2024).



شکل ۳. ثوب النعنی، لباس فلسطینی با بخیه‌دوزی و ملیله‌دوزی روی آستین‌ها، سرشانه و درزهای طرفین و نقشینه‌هایی با بخیه‌دوزی ضربدری در بقیه قسمت‌ها، مربوط به اوایل دهه ۱۹۳۰/ تقریباً ۱۳۵۰ (بیکر، ۱۲۸۵: ۱۸۷)

تاریخچه و ریشه تطریز فلسطینی به قرون گذشته بازمی‌گردد و به‌طور سنتی در میان زنان روستایی فلسطین رواج داشته است (شکل ۴). این هنر به عنوان وسیله‌ای برای تزئین لباس‌های روزمره و مراسمی زنان به کار می‌رفته و در بسیاری موارد نشان‌دهنده وضعیت اجتماعی، موقعیت خانوادگی و حتی وضعیت اقتصادی فرد بوده است. زنان فلسطینی از سنین کودکی با مهارت‌های تطریز آشنا می‌شدند و این هنر به شکل یک مهارت انتقالی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد. هر منطقه فلسطین، از جمله الخلیل، نابلس، یافا و غزه، دارای سبک‌ها و الگوهای خاص خود است که تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی هر ناحیه را منعکس می‌کند. تکنیک‌ها و مواد مورد استفاده تطریز فلسطینی عمدتاً با نخ‌های رنگی روی پارچه‌های ساده یا کتان انجام می‌شود. یکی از ویژگی‌های برجسته این هنر، استفاده از نخ‌های قرمز و مشکی است که رنگ غالب در بیشتر الگوها به شمار می‌رود، اما بسته به منطقه و سلیقه هنرمند، رنگ‌های دیگری مانند آبی، سبز، زرد و سفید نیز به کار گرفته می‌شوند (شکل ۵).



شکل ۴. زنان روستایی فلسطین با پوشش تطریز (Droeshout, 2023)

مادر و کودک با پوشش تطریز فلسطینی، دهه ۱۹۳۰، موسسه مطالعات فلسطین، بیروت، لبنان (Ghanian, 2024)



شکل ۵. پشت و روی یک تطریز فلسطینی، قرن نوزدهم، از پنبه و ابریشم، از مجموعه کوپر هیویت، موزه طراحی اسمیتسونین^۳ (Güner, 2021)

روش‌های دوخت مورد استفاده در تطریز شامل دوخت متقاطع^۴، دوخت خطی^۵ و دوخت گل و برگ هستند. هر کدام از این تکنیک‌ها به ایجاد بافتی خاص و جلوه‌ای متفاوت در الگوها کمک می‌کند و امکان خلق طرح‌های پیچیده و متنوع را فراهم می‌آورد. یکی از ویژگی‌های برجسته تطریز فلسطینی، تنوع نقوش و معانی نهفته در آن است. طرح‌ها می‌توانند هندسی، گیاهی یا نمایانگر حیوانات و پرندگان باشند (شکل ۶). برای مثال، طرح‌های هندسی شامل خطوط، مربع‌ها و مثلث‌ها است که اغلب در حاشیه‌های لباس‌ها و شال‌ها دیده می‌شود. طرح‌های گیاهی و گل‌دار نمادی از طبیعت و باروری هستند و در بسیاری از نواحی روستایی به وفور دیده می‌شوند (شکل ۷).



شکل ۶. استفاده از نقش پرند در تزئین لباس (Droeshout, 2023)



شکل ۷. نمونه نقوش مورد استفاده در تطریز فلسطینی. از راست به چپ: سرو، بلوط، تاک انگور و اردک (منصور و عنانی، ۱۹۶۲: ۳-۶۶)

برخی طرح‌ها نیز نمایانگر عناصر محلی مانند کوه، رودخانه یا درخت زیتون هستند و به نوعی بازتاب جغرافیای محل زندگی هنرمند به شمار می‌روند. معنای اجتماعی و فرهنگی تطریز فلسطینی تنها یک هنر تزئینی نیست؛ بلکه حامل پیام‌های فرهنگی و اجتماعی نیز هست. برای مثال ستاره هشت پر که در منابع متعددی از آن به عنوان طرح پر تکرار در بسیاری از آثار یاد شده، فقط یک طرح هندسی نیست. بلکه یک نشانه منطقه‌ای و جغرافیایی است؛ یعنی نشان می‌دهد اثر از کدام بخش آمده یا به کدام خاستگاه جغرافیایی تعلق دارد. و فلسطین یکی از چندین حافظ این نماد باستانی در میان مجموعه‌ای از هنرهای بومی جهانی قرار دارد (Muaddi & Ghnaim, 2024: para. 12). برخی طرح‌ها وضعیت اجتماعی یا مذهبی فرد را نشان می‌دهند، در حالی که برخی دیگر نماد مقاومت و هویت ملی فلسطین هستند. در طول تاریخ، زنان فلسطینی با استفاده از تطریز، هویت فرهنگی خود را حفظ کرده و در مواجهه با مهاجرت، اشغال و شرایط دشوار، هنر خود را به عنوان نشانه‌ای از مقاومت و پیوند با خاک و فرهنگ خود نگه داشته‌اند. تطریز در لباس‌های سنتی یکی از مهم‌ترین کاربردهای تطریز فلسطینی، تزئین لباس‌های سنتی زنان، به ویژه ثوب است. ثوب‌ها معمولاً لباس‌های بلند و آزاد هستند که در مراسم روزمره و جشن‌ها پوشیده می‌شوند. طرح‌ها و رنگ‌های به کار رفته در هر ثوب می‌توانند نشان‌دهنده روستای مادر زن، وضعیت تاهل، سن و حتی وابستگی سیاسی فرد باشند. حاشیه‌های آستین، یقه و پایین لباس معمولاً بیشترین تزئینات را دارند و در برخی موارد، کل لباس با طرح‌های پیچیده و دقیق پوشیده می‌شود. در سال‌های اخیر، تطریز فلسطینی وارد عرصه هنر مدرن و صنایع دستی جهانی شده است. هنرمندان و طراحان فلسطینی سعی دارند طرح‌های سنتی را با سبک معاصر ترکیب کنند و آن‌ها را روی لباس‌های مدرن، کیف، شال و حتی تابلوهای دیواری و کفش پیاده کنند. این رویکرد باعث شده که تطریز فلسطینی نه تنها به عنوان یک هنر سنتی بلکه به عنوان یک ابزار هویت فرهنگی و اقتصادی نیز مطرح شود. بسیاری از سازمان‌ها و برندهای بین‌المللی، از این هنر برای تولید محصولات با ارزش فرهنگی استفاده می‌کنند و به زنان فلسطینی امکان درآمدزایی و معرفی فرهنگشان به جهان را می‌دهند. نمادها و پیام‌های فرهنگی هر طرح در تطریز فلسطینی حامل پیام خاصی است. به عنوان مثال، طرح‌های درخت زیتون نماد صلح و ثبات، طرح‌های گل و شاخه‌ها نماد باروری و زندگی، و برخی طرح‌های هندسی نماد مقاومت و هویت ملی هستند. تطریز به این ترتیب، فراتر از یک هنر بصری، به یک زبان بصری تبدیل شده که زنان فلسطینی از آن برای بیان داستان‌ها، احساسات و پیام‌های فرهنگی خود استفاده می‌کنند (جدول ۱).

جدول ۱. دسته‌بندی تنوع نقوش مورد استفاده در تطریز و معانی نمادین آن

نوع نقوش	مصادق نقوش	مولفه‌های نمادین و فرهنگی و اجتماعی
هندسی	خطوط، مربع، مثلث، ستاره	بازتاب هویت ملی، نشانه منطقه یا خاستگاه جغرافیایی، مقاومت، نظم و ترتیب
گیاهی	گل، شاخ و برگ و نقوش الهام گرفته از طبیعت	نماد طبیعت و باروری، زندگی و تداوم، زیبایی، ارتباط با محیط روستایی
حیوانات و پرندگان	پرندگان، حیوانات محلی	نماد پیوند با طبیعت و محیط زندگی، بیان ویژگی‌های فرهنگی و محلی
عناصر محلی و جغرافیایی	کوه، رودخانه، درخت زیتون	بازتابی از جغرافیا و محل زندگی هنرمند، هویت محلی و فرهنگی، نماد صلح و ثبات
نمادهای اجتماعی و مذهبی	ترکیبی از نقوش مختلف و مرتبط با سن، تاهل و یا وابستگی سیاسی	نشان از وضعیت اجتماعی، مذهبی و سیاسی فرد
نمادهای مقاومت و هویت ملی	اغلب شکل‌های هندسی و ترکیبی	بیان مقاومت، حفظ هویت فرهنگی، حفظ پیوند با فرهنگ و خاک فلسطین
طرح‌های مدرن	بازتولید نقوش سنتی برای کاربری مدرن	حفظ و انتقال هویت فرهنگی به نسل جدید، درآمدزایی، معرفی فرهنگ فلسطین در سطح بین‌المللی

۵. نتیجه‌گیری

بنابراین، تطریز فلسطینی بیش از آن که صرفاً یک هنر تزئینی باشد، نمادی از هویت، فرهنگ و مقاومت یک ملت است. این هنر سنتی نه تنها مهارت‌های دستی و زیبایی‌شناسی زنان فلسطینی را نشان می‌دهد، بلکه در گذر زمان به زبانی بصری و فرهنگی بدل شده که از طریق آن، زنان فلسطینی داستان‌ها، ارزش‌ها و پیوندهای تاریخی خود را روایت می‌کنند. تطریز به‌عنوان ابزاری برای حفظ فرهنگ و انتقال پیام‌های اجتماعی و تقویت هویت ملی عمل کرده و توانسته است در مواجهه با مهاجرت، اشغال و جهانی شدن، جایگاه خود را حفظ کند. با گسترش آن به عرصه‌های مدرن، تطریز فلسطینی توانسته است در سطح جهانی شناخته شود و پیام فرهنگ و مقاومت فلسطینی را به مخاطبان گسترده‌تری منتقل کند. حفظ و ترویج این هنر، علاوه بر ارزش زیبایی‌شناختی، به صیانت از میراث فرهنگی و استمرار هویت فلسطینی کمک شایانی می‌کند. در این میان، بررسی مؤلفه‌های تصویری و بصری تطریز نشان می‌دهد که این هنر بر تنوعی از نقوش هندسی، گیاهی، جانوری و عناصر برگرفته از محیط جغرافیایی استوار است که هر یک نقش مهمی در شکل‌گیری معنا دارند. نقوش هندسی، شامل خطوط، مربع‌ها، مثلث‌ها و به‌ویژه ستاره هشت‌پر، از رایج‌ترین عناصر بصری در تطریز فلسطینی هستند و اغلب در حاشیه‌های یقه، آستین و پایین لباس‌ها به کار می‌روند. این نقوش، افزون بر ایجاد نظم و ریتم بصری، حامل معانی نمادین‌اند و در بسیاری موارد به‌عنوان نشانه‌ای از خاستگاه جغرافیایی و هویت منطقه‌ای عمل می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان از طریق آن‌ها محل یا زمینه فرهنگی تولید اثر را تشخیص داد. در کنار نقوش هندسی، طرح‌های گیاهی و گل‌دار جایگاه ویژه‌ای در ساختار تصویری تطریز دارند. این نقوش که شامل گل‌ها، شاخه‌ها و برگ‌ها هستند، اغلب با فرم‌هایی ساده‌شده و تکرار شونده اجرا می‌شوند و پیوندی مستقیم با طبیعت و زندگی روزمره زنان فلسطینی دارند. از منظر نمادین، این الگوها بیانگر مفاهیمی چون باروری، زندگی، رشد و تداوم‌اند و حضور پررنگ آن‌ها به‌ویژه در نواحی روستایی، بازتاب‌دهنده ارتباط عمیق با زمین و کشاورزی است. برخی دیگر از نقوش تطریز به عناصر محلی و جغرافیایی اختصاص دارند؛ عناصری مانند کوه، رودخانه و به‌ویژه درخت زیتون که به‌صورت نشانه‌وار و خلاصه‌شده در ترکیب‌بندی‌ها ظاهر می‌شوند. این نقوش بازتابی از زیست‌بوم و محیط زندگی هنرمند هستند و در سطح نمادین مفاهیمی چون پایداری، ثبات، صلح و پیوند با سرزمین را منتقل می‌کنند. درخت زیتون، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نمادهای تصویری، جایگاهی محوری در بیان هویت تاریخی و فرهنگی فلسطین دارد. علاوه بر این، برخی نقوش تطریز حامل دلالت‌های اجتماعی، مذهبی و حتی سیاسی‌اند. نوع نقش، رنگ و محل قرارگیری آن بر لباس می‌تواند نشان‌دهنده وضعیت تاهل، سن، جایگاه اجتماعی یا وابستگی منطقه‌ای فرد باشد. از این رو، تطریز نه تنها یک نظام تزئینی، بلکه نوعی زبان بصری است که از طریق آن اطلاعات هویتی و پیام‌های فرهنگی منتقل می‌شود. در طول تاریخ، زنان فلسطینی با تکیه بر همین زبان بصری، هویت فرهنگی خود را حفظ کرده و هنر

تطریز را به ابزاری برای مقاومت، یادآوری خاطره جمعی و استمرار پیوند با خاک و فرهنگ خود تبدیل کرده‌اند. در مجموع، هم‌نشینی مؤلفه‌های بصری و معانی نمادین در تطریز فلسطینی، این هنر را از سطح تزئین فراتر برده و آن را به رسانه‌ای فرهنگی تبدیل کرده است که توانایی بیان هویت، تاریخ و تجربه زیسته مردم فلسطین را در قالب نقش و رنگ دارد.

۶. پیشنهاد و چشم‌انداز

تطریز، فراتر از یک میراث فرهنگی، ظرفیت بالقوه‌ای برای حضور فعال در هنر مدرن و معاصر دارد. این هنر به‌عنوان یک زبان بصری زنده می‌تواند بیش از پیش در طراحی لباس، برندینگ، فشن و صنایع خلاق به‌کار گرفته شود؛ با استفاده از الگوها و رنگ‌های سنتی در لباس‌ها، اکسسوری‌ها و آثار هنری مدرن، هم هویت فرهنگی حفظ می‌شود و هم معنا و ارزش‌های جدید در بستر معاصر خلق می‌گردد. ادغام تطریز در مد و طراحی معاصر امکان بازخوانی خلاقانه نمادها و طرح‌های سنتی را فراهم می‌کند و آن‌ها را از چارچوب میراث تاریخی به عرصه زندگی روزمره، گالری‌ها و بازارهای جهانی منتقل می‌سازد. این مسیر، ضمن تقویت حضور فرهنگی فلسطینی در سطح بین‌المللی، نشان می‌دهد که هنر سنتی می‌تواند همزمان با مدرن شدن، پیام‌ها و هویت خود را بازتاب دهد و الهام‌بخش خلاقیت‌های نوین در طراحی و فشن باشد.

سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانم از آقای دکتر مهدی رازانی به سبب ارائه پیشنهادات علمی و سازنده که در بهبود این پژوهش موثر بوده است، قدردانی نمایم. همچنین در راستای شفافیت پژوهشی، ذکر می‌شود که در ترجمه و ویرایش متن از ChatGPT (نسخه 5.2-GPT، آذر ماه ۱۴۰۴) استفاده شده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تعارض منافع در ارتباط با این مقاله ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش بدون حمایت مالی تهیه شده است.

دسترسی به داده‌ها

استفاده از این پژوهش از طریق مکاتبه با نویسنده قابل دسترس خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

1. Thobe
2. Library of Congress, Prints & Photographs Division, G. Eric and Edith Matson Photograph Collection
3. Collection of Cooper Hewitt, Smithsonian Design Museum.
4. Cross-stitch
5. Running stitch

منابع

بیکر، پاتریشیا. (۱۳۸۵). *منسوجات اسلامی*. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
منصور، سلیمان، و عنانی، نبیل. (۱۹۶۲). *دلیل فن تطریز فلسطینی*. البیره: جمعیه انعاش الاسره.

- Droeshout, M. (2023, November 1). *The art of tatreez: Palestine's yesterday, today, and tomorrow*. Savoir Flair. <https://www.savoirflair.com/article/fashion/the-art-of-tatreez/e86c1d00-4cd6-4732-b647-190ad8a67e70>
- El Khalidi, L. (2005). *The art of Palestinian embroidery*. Saqi Books.
- Ghanian, W. (2018). *Tatreez & tea: Embroidery and storytelling in the Palestinian diaspora*. CreateSpace Independent Publishing Platform.
- Ghanian, W. (2024). *Tatreez companion: Palestinian embroidery study booklet*. Independently published.
- Ghanian, W. (2024, July 26). *Tatreez in time*. The Metropolitan Museum of Art. <https://www.metmuseum.org/perspectives/tatreez-in-time>
- Güner, C. Y. (2021). Diaspora and tatreez: Reflections in stitch. *Journal of History of Design and Curatorial Studies*, 2021(5). <https://adht.parsons.edu/historyofdesign/objectives/diaspora-and-tatreez/>
- Kawar, W. K. (2007). *Palestinian embroidery motifs: A treasury of stitches 1850–1950*. Melisende UK Ltd.

Muaddi, D. S., & Ghnaim, W. (2024, December 17). *Tatreez star motifs: Reclaiming indigenous cultural knowledge online through community dialogue*. Institute for Palestine Studies. <https://www.palestine-studies.org/en/node/1656612>

Tamari, T., Nasser-Khoury, O., Shirabe, Y. J., & Kavar, W. K. (2019). *Seventeen embroidery techniques from Palestine: An instruction manual*. Sunbula

علوی دهکردی، سیده الهه (۱۴۰۴). تأثیرات نقشمایه‌های نمادین در هویت فرهنگی تطریزهای فلسطین. میراث جنوب غربی آسیا، ۱۲(۱)، ۶۰.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2025.563422.1033>

